

Train



www.hizh10.blog.ir

سیدے نو دی سورد



• مرادشون تو ایستگاه قطار بود. عمت ۴۰۳ عمر
بود و منم عمت مویه بود تا منش و منم بر
عقوبه آرم عمت داشتن چون می نمودن...



در چشم هم زمان که رعیت از دستش بود
اویان رعیت هم صحت کرده بود...



... عمت ۶ شد ۵ بود و قطار عصر عمت
۶:۳۰ برسد و نیم عمت ریه میشوید اش
براز عمت ترش می خورد.



عقوبه که رحمت دستان چون می زندن

مانند همه چهره‌ش سابق بود همچو چهره‌ش سابق نبود



قصه کا آواز



2
2018